

ممنوعیت شهرداری از جمع‌آوری مصالح بنایی قبل از احداث بنای غیرمجاز^۱

رأی شماره ۴۶۲ به تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱

اولاً: با توجه به این که موضوع مصوبه مورد اعتراض، خارج از وظایف شورای تأمین استان به شرح مقرر در ماده‌ی ۵ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ است؛ ثانیاً: به موجب ماده‌ی ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱، شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی ساختمان‌های بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه به وسیله ماموران خود، اعم از آن که ساختمان در زمین محصور یا غیرمحصور واقع باشد، جلوگیری کند و در مصوبه‌ی مورد اعتراض، شورای تأمین استان، شهرداری را موظف کرده است، قبل از احداث اعیانی غیر مجاز، کلیه مصالح ساختمانی و ابزار بنایی را از پای کار جمع‌آوری کند و چنین وظیفه‌ای برای شهرداری در ماده‌ی ۱۰۰ قانون شهرداری پیش‌بینی نشده است و صرفاً پس از شروع احداث بنای غیرمجاز می‌تواند مطابق ماده‌ی قانونی یادشده، و تبصره‌های ذیل آن، حسب مورد اقدام مقتضی به عمل آورد. بنابراین بند ۵ مصوبه‌ی شورای تأمین استان خراسان رضوی به دلایل مذکور خارج از حدود اختیارات شورای تأمین استان و مغایر قانون است و به استناد بند یک ماده‌ی ۱۹ و ماده‌ی ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم بر ابطال آن صادر و اعلام می‌شود.

ایجاد حق اعیانی در اجاره رسمی اراضی موقوفه برای مستاجر^۱

رأی شماره ۴۸۶ به تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

«نظر به این که اجاره رسمی اراضی موقوفه برای مستاجر، حسب اختیار واگذار شده در قرارداد، با حق ایجاد اعیان همراه است و مشاع بودن عرصه به طور کلی مانع اعمال اختیار ایجاد اعیانی در میزان عرصه مذکور نیست، بنابراین آراء شعبه بیست و نهم به شماره دادنامه‌های ۱۴۵۴ و ۱۴۵۳ مورخ ۱۳۸۷/۷/۶ مبنی بر وارد دانستن شکایت در حدی که متضمن این معنی است، صحیح و موافق مقررات تشخیص می شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است».

اجرای لایحه‌ی قانونی نحوه‌ی خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی^۲

رأی شماره‌ی ۵۷۳ به تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۵

«نظر به این که در اجرای لایحه‌ی قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ اراضی شکات پرونده‌های موضوع تعارض به سازمان آب و فاضلاب استان تهران توسط خود آنان تملیک شده است؛ بدین معنا که تملک ناشی از اعمال حاکمیت نبوده است تا در اثر عدم ضرورت اجرای طرح، موجبات ابطال تملک فراهم شود، بنابراین رأی شعبه‌ی یازدهم در دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۴۳۲ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۴، مبنی بر رد شکایت شاکی در این حد صحیح و موافق قانون است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است».

۱. روزنامه‌ی رسمی شماره‌ی ۱۹۵۰۶ به تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱.

۲. روزنامه‌ی رسمی شماره‌ی ۱۹۵۴۳ به تاریخ ۱۳۹۱/۱/۲۲.

بر خوررداری فرزندان اناث و بازنشسته شده از حقوق وظیفه مورث خود به شرط نداشتن شوهر و شغل^۱

رأی شماره ۵۷۲ به تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۵

نظر به این که مادهی ۱۲۴ قانون استخدام کشوری در مقام بیان وضعیت استخدامی مستخدم با سازمان متبوع خویش است و دلالتی بر تعریف شغل ندارد تا بتوان بازنشستگی را به عنوان شغل تلقی کرد و از سویی مطابق قانون اصلاح تبصره ۲ ماده واحدهی قانون اجازه پرداخت وظیفه و مستمری وراثت کارمندان مصوب سال ۱۳۳۸ و برقراری حقوق وظیفه در مورد فرزندان و نوادگان اناث مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ و بند یک مادهی ۵ و قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳، بر خوررداری فرزندان اناث از حقوق وظیفه مورث خود به نداشتن شوهر و شغل مشروط شده است؛ بنا به مراتب مذکور و این که شکات فاقد شوهر و شغل هستند، رأی شعبه‌ی نهم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به شماره‌ی دادنامه‌ی ۱۹۸۰-۱۳۸۳/۱۲/۱۲ که بر وارد دانستن شکایت صادر شده و شاکی را محق به دریافت حقوق وظیفه مورث خویش دانسته است، صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده‌ی ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۱. روزنامه‌ی رسمی شماره‌ی ۱۹۵۴۳ به تاریخ ۱۳۹۱/۱/۲۲.

عدم امکان شمول قانون مدیریت خدمات کشوری بر اعضای هیأت علمی در صدور احکام بازنشستگی^۱

رأی شماره ۵۸۷ به تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۲

نظر به این که مطابق ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸، اعضای هیأت علمی از شمول قانون مستثنی اعلام شده‌اند و احکام بازنشستگی شکات پرونده‌های موضوع تعارض مستند به ماده ۱۰۳ قانون یاد شده صادر شده است، بنابراین به لحاظ عدم امکان شمول قانون مدیریت خدمات کشوری بر اعضای هیأت علمی، احکام بازنشستگی که مستند به ماده ۱۰۳ قانون مذکور صادر شده فاقد وجهت قانونی است و احکام صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری در رأی بر وارد دانستن شکایت شکات از حیث عدم وجهت قانونی استناد به قانون مدیریت خدمات کشوری در بازنشستگی اعضای هیأت علمی صحیح و موافق قانون است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۱. روزنامه‌ی رسمی شماره‌ی ۱۹۵۴۹ به تاریخ ۱۳۹۱/۱/۲۹.